

حضور پهباد های روسی بر فراز آلمان و بلژیک موج تازه‌ای از نگرانی‌ها در مورد تلاش روس‌ها برای اثبات نیروی نظامی خود به اروپا را همراه داشته است. به نظر می‌رسد که ولادیمیر پوتین می‌خواهد صبر همتایان اروپایی را آزمایش کرده و با آنها با هزینه‌ای اندک زورآزمایی کند. اکنونومیسث مدعی شد؛ پهبادها بر فراز لهستان؛ جنگنده‌های میگ در آسمان استونی؛ کابل‌های مخابراتی که در اعماق دریای بالتیک آسیب دیده‌اند؛ فرودگاه‌هایی که به دلیل حملات سایبری و پهباد های چهارپارچ فلج شده‌اند؛ انفجارها و ترورهای مرموز؛ و انبوه ربات‌هایی که پروپاگاندا برای اخلاخ در انتخابات منتشر می‌کنند؛ هیچ‌یک از این‌ها به‌تنهایی دلیل کافی برای جنگ نیست، اما در مجموع، به‌چیزی پوتین یک کارزار خاکستری علیه ناتو به راه انداخته‌است: تلاشی بی‌ارزش، قابل‌انکار و حساب‌شده برای برهم زدن آرامش اروپا که به‌دقت از دگرگیزی آشکارا اجتناب می‌کند. این هفته صدراعظم آلمان، فریدریش مرتس، گفت: ما در جنگ نیستیم اما دیگر در صلح هم نیستیم.

پوتین و مواجهه مستقیم

آسیب‌ناهیچ‌گاه جدی نبوده‌اند، پس هدف روس‌ها چیست؟ پوتین می‌داند که نمی‌تواند در یک رویارویی مستقیم ناتو را شکست دهد، اما هدفش، با توجه به گسترده‌گی نواخترها و سخنرانی‌هایش، از صرفاً ایجاد مزاحمت فراتر است. او به دنبال دستیابی به سه هدف است. اول، پوتین می‌خواهد اتحاد ناتو را بشکند. هدف او این است که اروپایی‌ها را نسبت به یک‌دیگر و به‌ویژه نسبت به تعهد آمریکا به اتحادی که در سال ۱۹۴۹ ایجاد کرد، دچار تردید کند. او می‌خواهد این شک را ایجاد کند که ماده ۵ ناتو، که حمله به یکی از اعضا را حمله به همه می‌داند، قابل اعتماد نیست؛ و در نهایت، آمریکا را به‌کلی از اروپا جدا کند. پوتین بارها گفته است که ناتو به تجزیه روسیه اختصاص دارد؛ بنابراین باید از درون نابود شود. در آغاز قرن، آمریکا از همه دشمنان و دوستانش قدرتمندتر بود. اسامه بن لادن این روند را به هم ریخت. حمله او به برج‌های دوقلو در سال ۲۰۰۱ آمریکا را به دام زباده روی در افغانستان و عراق کشاند و باعث شد در داخل این کشور واکنش‌هایی علیه تعهدات خارجی شکل بگیرد. بهران چنین نیز رویای خروج مشابه آمریکا از شرق آسیا را دارند. به همین دلیل است که شی جین‌پینگ نیز از تحرکات خاکستری برای آسیب‌پذیر کردن تابوان و ایجاد تردید در تعهد آمریکا به شرکای آسیایی‌اش استفاده می‌کند. دونالد ترامپ با بی‌توجهی به نظم امنیتی که از سال ۱۹۴۵ جهان را حفظ کرده، کار شی را آسان‌تر کرده است. همین موضوع در اروپا نیز صادق است. پاسخ ترامپ به ورود پهباد به لهستان این بود که ممکن است اشتباه بوده باشد، در حالی که اروپا و ناتو به یک نمایش همبستگی نیاز داشت. به‌راحتی می‌توان این سخنان را به نقض حریم‌هویی استونی توسط سه جنگنده میگ-۳۱ ده روز بعد مرتبط کرد. ترامپ باید بر تعهد خود به اقدام نظامی در اروپا در صورت لزوم تأکید کند. اگر خرابکاری‌ها و نقض حریم‌هویی به عنوان امری عادی نادیده گرفته شوند، بازدارندگی به موضوعی برای بحث تبدیل می‌شود و وقتی مورد بحث قرار گیرد، تضعیف می‌شود. هدف دوم پوتین به اوکراین مربوط است. تهاجم تابستانی او شکست خورد، بنابراین او می‌خواهد هزینه حمایت کشورهای اروپایی از ارتش اوکراین را بالا ببرد. تمرکز حملات خاکستری بر کشورهایی بوده که قوی‌ترین حامیان اوکراین هستند. لهستان، استونی و دانمارک با ورود پهبادها، اختلال در GPS و خرابکاری مواجه شده‌اند. آلمان با حملات سایبری به شرکت‌های دفاعی و لجستیکی خود روبه‌رو بوده است. مولدای و رومانی، به‌عنوان کشورهای خط مقدم، با دخالت در انتخاباتشان مواجه شده‌اند که البته ناموفق بوده و نشان می‌دهد پوتین همیشه به هدفش نمی‌رسد. پیام او به رأی‌دهندگان و سیاستمداران صریح است؛ به‌جای ارسال سلاح به اوکراین، باید روی آرام کردن روسیه یا دفاع از خودتان تمرکز کنید. هدف سوم برای این کارزار عمیق‌تر و قدیمی‌تر است. پوتین از دموکراسی‌های لیبرال کلاسیک که ثروت و انعطاف‌پذیری‌شان ناگامی‌ها و سرکوب‌های او را نشان می‌دهند، متنفر است. آنها از نظر اقتصادی از او پیشی می‌گیرند. تولید ناخالص داخلی روسیه کمتر از ایتالیا است، در حالی که جمعیتش بیش از دو برابر ایتالیا است. هرچه او بتواند در غرب تفرقه و سردرگمی ایجاد کند، قوی‌تر به نظر می‌رسد. هرچه بتواند دولت‌های میانه‌رو را بی‌اعتبار کند، به نفع پوپولیست‌های ناپسوندناپسینی خواهد بود که به اتحاد اروپا بدبین هستند.

امان... قرائی مقدم در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

فقر به امیدواری جامعه آسیب‌زده است



آموزش و پرورش عمومی و رایگان از بین رفته است

تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی برای کاهش دامنه فقر

ناکارآمدی نیروهای بازدارنده در برابر گسترش فقر

آرمان ملی- سیایش پورعلی: در سال‌های اخیر، مسأله فقر و بحران اقتصادی در ایران به یکی از چالش‌های اساسی و فراگیر جامعه تبدیل شده است. گسترش فقر نه تنها یک معضل اقتصادی بلکه پدیده‌ای چندبعدی است که تمامی ابعاد زندگی اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی را تحت تأثیر قرار داده است. در شرایطی که نرخ تورم بالا، بیکاری گسترده، کاهش قدرت خرید و نابرابری طبقاتی بر زندگی مردم سایه افکنده، طبقات متوسط به تدریج به سمت فقر رانده می‌شوند و بخش بزرگی از جمعیت کشور درگیر تأمین نیازهای معیشتی خود هستند. این روند نگران‌کننده نه تنها چهره امروز جامعه را دگرگون کرده، بلکه آینده نسل‌های بعدی را نیز در معرض تهدیدی جدی قرار داده است. فقر مداوم، فرصت رشد و شکوفایی را از نسل جوان می‌گیرد؛ دسترسی محدود به آموزش با کیفیت، تغذیه مناسب و خدمات درمانی استاندارد، موجب بازتولید چرخه فقر و بزه‌کاری می‌شود. در چنین وضعیتی، کودکان و نوجوانان خانواده‌های فقیر، ناخواسته در مدار محرومیت باقی می‌مانند و امکان ارتقای اجتماعی برای آنان به شدت کاهش می‌یابد. استمرار این وضعیت، نه تنها مانع توسعه انسانی است بلکه ظرفیت‌های بالقوه جامعه را نیز از بین می‌برد. از سوی دیگر، تداوم بحران اقتصادی می‌تواند پیامدهای اجتماعی و سیاسی

باتوجه به خشونت‌هایی که در رسانه‌ها و سطح جامعه مشاهده می‌کنیم، داده‌های جامعه‌شناسی چه چالشی‌هایی را نشان می‌دهد؟

در این مورد باید بگویم که جامعه‌شناسی که ساختارهای اجتماعی تعیین‌کننده چگونگی بروز جرم‌ها هستند، پیش از این چنین پدیده‌ای را با «نظریه میدان نیرو» توضیح داده‌ام که هر فرد در میدانی از نیروها قرار دارد؛ بخشی از این نیروها فشارهای محیطی هستند که او را از جرم‌بازی‌ها داند و بخشی محرک‌های درونی‌اند که او را به انحراف سوق می‌دهند. در شرایط کنونی که در آن حضور داریم متأسفانه محرک‌های منفی مثل ناامیدی از آینده، فقدان امید و شادکامی بر زندگی بسیاری از جوانان مستولی است. این محرک‌ها وقتی با فشارهای اقتصادی و موانع اجتماعی شدید ترکیب شوند، فرد را در شرایط چالشی قرار می‌دهد و در روند تکمیل شدن این پازل او دست به جرایم و تخلفاتی می‌زند.

قانون و مجری آن یعنی پلیس در این شرایط چه وظایفی دارند و آیا می‌توانند حالت بازدارنده‌ای داشته باشند؟

نیروی بازدارنده همان قوانین و نهاد‌های حفاظتی و انتظامی است؛ مانند نیروی انتظامی، نهادهای قضایی و سازمان‌های حمایتی اجتماعی. اگر دولت با مجموعه حاکمیت نتوانند نیازهای اساسی مردم را برآورده کنند یا امنیت اقتصادی آنها را تضمین نمایند، تأثیرپذیری آن به‌صورت محسوسی کاهش می‌یابد. وقتی افراد با موقعیت‌ها و شرایط برابر در جامعه روبه‌رو نمی‌شوند و نابرابری را مشاهده می‌کنند، ممکن است خود به‌جای تکیه بر قانون، برای حل مشکل دست به خشونت زده و یا مسیرهای غیرقانونی را انتخاب کنند. توجه داشته باشید که فشار اقتصادی تا حدی می‌تواند تأثیرگذار باشد که در ادامه نیروهای بازدارنده نمی‌توانند کارایی خاصی داشته باشند.

اگر مایل باشید در اینجا به نتیجه ناکارآمدی اقتصادی که خود را با فقر به جامعه نشان می‌دهد بپردازیم، این چالش باعث چه واکنش‌هایی در سطح جامعه می‌شود؟ توجه کنید که فقر، بیکاری و تورم در روند خشن‌تر شدن جامعه تأثیرگذار است و همین نوجوانان را به سمت بزهکاری می‌کشاند. وقتی فرصت‌های شغلی محدود باشد و دستیابی به نیازهای معیشتی دشوارتر باشد امیدواری جامعه آسیب می‌بیند. قبلاً هم گفته‌ام که افزایش فقر، بیکاری و تنگنای معیشتی جزو مهم‌ترین دلایل رشد خشونت در جامعه



خطرناکی به همراه داشته باشد. افزایش نارضایتی، گسترش بی‌اعتمادی نسبت به نهاد‌های رسمی، رشد آسیب‌های اجتماعی همچون اعتیاد، جرم و مهاجرت اجباری از نتایج مستقیم بی‌توجهی به این بحران است. اگر مجموعه حاکمیت نسبت به عمق این معضل بی‌اعتنا باشد، شکاف‌های طبقاتی و اجتماعی انسجام ملی را تهدید می‌کند. بنابراین، مقابله با فقر نباید صرفاً به عنوان اقدامی رفاهی یا مقطعی تلقی شود، بلکه ضرورتی راهبردی برای حفظ ثبات، عدالت و آینده کشور است. دولت‌ها باید با نگاهی جامع و علمی، سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی خود را به‌گونه‌ای بازطراحی کنند که عدالت توزیعی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و فرصت‌های برابر برای همه اقشار جامعه تضمین شود. بی‌تردید، بی‌توجهی به فقر امروز، بحران فردا را عمیق‌تر می‌سازد و میراثی سنگین برای نسل‌های آینده به جا می‌گذارد؛ از این رو، درک اهمیت این موضوع و اقدام فوری و مؤثر، ضرورتی غیرقابل‌انکار برای بقای اجتماعی و توسعه پایدار ایران است. در ادامه امان... قرائی مقدم، جامعه‌شناس به این پرسش در گفت‌وگو با خبرنگار «آرمان ملی» پاسخ می‌دهد که تأثیرات فقر بر جامعه چیست؟ در ادامه مشروح این مصاحبه را می‌خوانید.

نظام آموزش و پرورش به شکل طبقاتی درآمد‌ه و توزیع ناعادلانه‌ی امکانات آموزشی به شدت افزایش یافته و به اوج خود رسیده است. اکنون تفاوت محسوسی میان مدارس خصوصی که با دریافت شهریه‌های سنگین از خانواده‌ها فعالیت می‌کنند و مدارس دولتی به‌وجود آمده است. در گذشته، مدارس دولتی بهترین معلمان و مجهزترین امکانات آموزشی را در اختیار داشتند، اما این روند برعکس شده و متأسفانه اکنون مدارس دولتی، که باید از امکانات آموزشی کافی برخوردار باشند حتی از حداقل‌ها هم محروم هستند. این روند موجب طبقاتی شدن آموزش و پرورش شده است. در بسیاری از مناطق، به‌ویژه در شهرهای کوچک و روستاها، کمبود معلم و حتی نبود مدرسه به چشم می‌خورد. این امر باعث نابرابری آموزشی و ایجاد شکاف طبقاتی شده است. به‌گونه‌ای که فرزندان خانواده‌های کم‌درآمد که توان پرداخت هزینه‌های مدارس خصوصی را ندارند، در کنکور شانس قبولی بسیار کمتری دارند. درحالی که براساس قانون اساسی، تحصیل در ایران باید رایگان باشد. در گذشته تمامی مدارس دولتی بودند و بهترین معلمان در آنها تدریس می‌کردند، اما به تدریج این اصل قانونی نادیده گرفته شد و مدارس خصوصی با دریافت شهریه و ارائه امکانات آموزشی بهتر، موجب شدند که دانش‌آموزان آنها در کنکور موفق‌تر باشند؛ در حالی‌که آموزش و پرورش عمومی و رایگان، عملاً از بین رفته است.

تضعیت این حوزه که مستقیم به آینده جامعه ارتباط دارد چه نتایجی دارد؟

جامعه با فشار شدید اقتصادی روبه‌رو است. باتوجه به پیوند تنگاتنگ اقتصاد و فرهنگ، شرایط اقتصادی و آموزشی کنونی بر آینده نسل‌ها اثرگذار خواهد بود. محروم ماندن نسل جدید از آموزش، کشور را در آینده با کمبود نیروی انسانی ماهر و متخصص مواجه می‌کند. این وضعیت، علاوه بر تشدید پدیده‌ی فقر مفرط، باعث افزایش بدبینی و نارضایتی سیاسی و کاهش کارایی سازمان‌ها خواهد شد. تضعیف آموزش و پرورش به معنای از دست دادن ارزشمندترین سرمایه ملی است و در بلندمدت، کشور را در زمینه‌های علمی، اقتصادی و اجتماعی با مشکلات جدی مواجه خواهد ساخت. همین مسئله موجب می‌شود بخش بزرگی از نیروهای تحصیل‌کرده و متخصص کشور تمایلی به ماندن و خدمت در ایران نداشته باشند و در نتیجه، کشور هم‌زمان با کمبود نیروی انسانی کارآمد و از دست دادن استعداد‌های برتر مواجه خواهد شد.

احمد یخشایش اردستانی:

۶ ماه دیگر آمریکا می‌فهمد اسنپ‌بک جواب نداد و به میز مذاکره برمی‌گردد

سازی با برخی اعضای شورای امنیت سازمان ملل، افتراق رأی بین ۱۵ عضو این شورا به وجود آوردیم و دیگر آنها امکان توافق اجماعی علیه ایران ندارند.

وی با بیان اینکه نظام و رهبری همه اقدامات را انجام دادند تا مکانیزم ماشه فعال نشود، افزود: اگر ۶ ماه مقابل آمریکا را رویا مقاومت و کاپا‌های اساسی مردم را از طریق کالابرتگ تأمین کنیم، آنها می‌بینند که فشار اسنپ‌بک جواب نداد، قطعاً عقب‌نشینی می‌کنند و به سمت مذاکره می‌آیند. اخیراً صدراعظم آلمان به ایران اعلام کرد «بیابید توافق جدید ببندیم»، مامی خواهیم اول ابزار فشار را از دست غربی‌ها خارج کنیم.

این نماینده مجلس درباره یادآور شد: اگر نظام به این نتیجه برسد که دیگر نمی‌توانیم با جهان کار کنیم و منزوی شویم، در موضوع «خروج از NPT»، قسمتی که مربوط به مجلس است، انجام خواهد شد.

اگر مجلس نیز هفته پیش طرح «خروج از NPT» را مطرح نکرد برای این بود که راه دیپلماسی باز بماند. البته در ۶ ماه آینده تحت فشار خواهیم بود و در کنار غنی‌سازی، همکاری‌های ما با آژانس حداقلی خواهد بود.



هم از ایران رفتند. طرح تهدید «خروج ایران از NPT» نیز می‌توانست آن زمان بازدارنده باشد که جنبه بلوف داشت. تحلیل آمریکایی‌ها آن است که «با بازگشت تحریم‌های سازمان ملل، جامعه ایران کلنگی و چند قطبی می‌شود، در این صورت آثار اجتماعی مشکلات اقتصادی خود را نشان می‌دهد چون گرانی‌ها افزایش می‌یابد و شاید زمینه برای حمله به ایران فراهم شود».

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس اظهار کرد: وقتی اروپایی‌ها پای حرف خود نمی‌نمایند و تحت فشار آمریکا مکانیزم ماشه را فعال کردند، ما از طریق ائتلاف

اسنپ‌بک چگونه درآمد نفتی
ایران را می‌بلعد؟

اورعی: سناریوی خوشبینانه آقای وزیر
غیرواقع‌بینانه است

در پی اجرای مکانیسم موسوم به اسنپ‌بک و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، تحلیل‌های متفاوتی درباره تأثیر این اقدام بر صادرات نفت کشور مطرح شده و مقامات دولتی تلاش دارند تأثیر این محدودیت‌ها را کم‌اهمیت جلوه دهند.

محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت اخیراً اظهار داشته که «با اجرای اسنپ‌بک، محدودیت آزاردهنده جدیدی در حوزه صادرات نفت نخواهیم داشت».

همچنین، برخی چهره‌ها مدعی هستند که شلیک شدن ماشه تقاوتی در وضعیت فروش نفت ایران ایجاد نمی‌کند، چرا که ایران پیشتر نیز به دلیل تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده پس از خروج دونالد ترامپ از برجام، به سمت بازارهای آسیایی کشیده شده بود و تحریم‌های اروپایی مشکل جدیدی به مشکلات پیشین در حوزه صادرات نفت نمی‌افزاید.

یک کارشناس حوزه انرژی با اشاره به سخنان اخیر وزیر نفت درباره عدم تأثیر اسنپ‌بک بر صادرات نفت ایران اظهار داشت: صحبت آقای وزیر خیلی کلی و غیرواقع‌بینانه است و به هیچ عنوان نمی‌توان گفت آنچه وی بیان می‌کند، قطعی است.

جای تعجب هم نیست چرا که وی وظیفه دارد که با دادن سیگنال‌های مثبت خاطر جامعه را آرام کند، اما الزاماً به این معنا نیست که وی همه واقعیت را می‌گوید. هاشم اورعی با تأکید بر اهمیت این موضوع برای اقتصاد ایران اشاره کرد که سهم نفت و میعانات از درآمد ارزی کشور قابل توجه است و فروش نفت برای ایران بسیار مهم است. او آمار فروش نفت ایران به چین را ۹۰ تا ۹۱ درصد برآورد کرد.

طبق گفته او، در سال ۲۰۲۴ به طور متوسط روزانه ۱.۵ میلیون بشکه صادرات نفت وجود داشت و این عدد در نیمه اول سال ۲۰۲۵ به ۱.۶ میلیون بشکه افزایش یافت.

این کارشناس حوزه انرژی تأکید کرد: اجرای اسنپ‌بک بر میزان صادرات نفت ایران تأثیرگذار است. او معتقد است فعال شدن مکانیسم ماشه بدین معناست که کار کشتی‌های حمل و نقل دشوارتر می‌شود، چرا که از این پس در حال نقض قوانین بین‌المللی هستند که ریسک بیشتری را برای کشتی‌ها ایجاد می‌کند. وی توضیح داد: از این پس بیمه و کرایه کشتی‌ها گران‌تر می‌شوند و ریسک افزایش یافته‌اند. عملاً با اجرایی شدن مکانیسم ماشه انگار حمل نفت از بنادر ایران به چین و سایر کشورها به صورت قاچاق انجام می‌شود. وقتی که کالای قاچاق جابه‌جا می‌شود ممکن است سود زیادی برای خریدار داشته باشد؛ در همین راستای همین استفاده حداکثری از شرایط دشوار ایران، صحبت‌هایی مطرح است که پالایشگاه‌های خصوصی چین بعد از مکانیسم ماشه تقاضای تخفیف بیشتری برای خرید نفت ایران می‌کنند.

سناریوهای محتمل

تاکنون سناریوهای متعددی از سوی برخی کارشناسان درباره فروش نفت ایران در دوران تحریم‌ها مطرح شده، اما اغلب سناریوها از جمله سناریو مطرح شده از سوی وزیر نفت، بسپار خوشبینانه بوده‌اند. سناریویی که به اعتقاد هاشم اورعی بسیار غیر واقعی است. اورعی با اشاره به سناریو بدبینانه در خصوص فروش نفت ایران گفت: «در سناریو بدبینانه آمریکا با توجه به قدرتی که دارد، مانند دوره قبلی تحریم‌ها فشار را روی خریداران نفت ایران زیاد می‌کند و نتیجه این می‌شود که خریداران نفت ایران به سرعت و به شدت پاپس می‌کشند و میزان فروش طی چند ماه تا ۳۵ هزار بشکه کاهش می‌یابد.

رقمی که پیشتر در دوره قبلی تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران تجربه کردیم. این کارشناس حوزه انرژی در شرح سناریوی محتمل و واقع‌بینانه‌تر گفت: «در این سناریو در واقع کاهش فروش نفت به شدت دفعه قبل نیست و احتمالاً آسیب کمتری تا حدود ۱ میلیون بشکه نفت ادامه پیدا کند».

اورعی با اشاره به علل محتمل بودن این سناریو می‌افزاید: «دلیل نخست این است که آمریکا علیرغم فشار آوردن به اروپا برای اجرایی شدن مکانیسم ماشه هنوز گوشه چشمی به توافق داشته باشد و لذا اقتدر فشار نیابورد که ایران از توافق قطع امید کند و فشار را به اندازه‌ای تزیق کند که ایران بفهمد که آمریکا قدرت زیادی دارد.

وی ادامه داد: دومین دلیل این است که آمریکا اولویت مذاکراتش با چین را امتناع این کشور از خرید نفت ایران قرار ندهد و چین از آنجا که همیشه منافع مالی خود را در نظر می‌گیرد از طریق بخش خصوصی به خرید نفت ایران ادامه دهد و موضعی میانی در قبال ایران در پیش بگیرد».

ایران و فروش نفت

اورعی در ادامه به شیوه انجام معاملات نفتی اشاره کرد و گفت: «دوتا از بزرگ‌ترین خریداران نفت در جهان چین و هندوستان هستند. در واقع عده‌ای از دلال‌های نفت، نفت ایران را خریداری می‌کنند؛ پیش‌تر معمول‌ترین مبرای این فروش‌ها روی آب و کنار بنادر مالزی بود، اما اکنون شایعه شده که اندونزی این نقش را ایفا می‌کند و آمارها را نیز نشان دهنده افزایش قابل توجه صادرات نفت اندونزی است».

وی با یادآوری سابقه تحریم‌ها توضیح داد که شورای امنیت برای اولین بار در تاریخ ۹ ژوئن ۲۰۱۰ بر مبنای ماده ۴۱ فصل هفتم منشور ملل متحد تحریم‌های سختگیرانه‌ای علیه ایران اعمال کرد و چنین قطعنامه‌ای در تاریخ شورای امنیت سابقه نداشته است.